

درباره حضرت زهرا(س) کتاب‌های فراوان و مقالات متعددی ارائه شده است، اما این تلاش‌ها کافی نیست و ضرورت دارد که تمامی ابعاد زندگی حضرت را مورد مطالعه قرار دهیم.

یکی از مواردی که بررسی آن بسیار ضروری می‌باشد، بحث روش تبلیغ آن حضرت در دفاع از ولایت است. باید دید روش تبلیغ حضرت زهرا(س)، چگونه بوده است که همه ائمه: فرزندان خود را به حفظ خطبه فدکیه سفارش می‌کردند؟!

چیستی تبلیغ

تبلیغ، به معنای رسانیدن عقاید دینی یا غیر آن‌ها با وسایل ممکنه و کشاندن افراد به راهی است که تبلیغ کننده قصد دارد.

به طور کلی تبلیغ، عبارت است از رساندن پیام به گیرنده از طریق برقراری ارتباط، به منظور ایجاد تغییر و دگرگونی در بینش، رفتار و کردار او. در تمدن امروز نیز به مجموعه‌ای از شگردها و شیوه‌های تأثیرگذار روانی و انفعالی گفته می‌شود.

تبلیغات یا پروگاندا (propaganda) از ریشه لاتین و به معنای ترویج امیال، ایجاد نظر خوب یا بد نسبت به شخص، سازمان، مذهب، عقیده و یا چیز دیگر، از طریق تحت تأثیر قراردادن افکار و عقاید مردم می‌باشد.

امام خمینی(قدس ره) در تعریف تبلیغ می‌فرماید: «تبلیغات که همان شناساندن خوبی‌ها و تشویق به انجام آن و ترسیم بدی‌ها و نشان دادن راه گریز از آن است، از اصول بسیار مهم اسلام عزیز است».

مقام معظم رهبری نیز در تعریف این مقوله می‌فرماید: «تبلیغ در اسلام، به معنای رساندن حقایق و معارف اسلامی و دعوت و تشویق مردم به رعایت و اطاعت از فرامین الهی و تأسی به سیره انبیا و ائمه اطهار: به کار رفته است. آنچه ما به آن اعتقاد داریم، معنای واقعی تبلیغ است؛ یعنی رسانیدن حقایق و واقعیت‌ها به گوش مردم جهان است».

همان طور که از تعریف واژه تبلیغ مشخص است، هر انسانی برای هدف و مقصد خاص خود روشی به کار می‌گیرد تا بتواند به هدفش جامعه عمل بپوشاند.

برای تبلیغ موفق، مبلغان و اهل فن دستورالعمل‌هایی ارائه داده اند تا افراد بهتر بتوانند منظور خود را به مخاطبین تفهیم نمایند. از جمله شرایطی که به موفقیت مبلغ کمک می‌کند و ائمه اطهار: نیز به آن سفارش نموده اند، «آغاز کلام با بسم الله، استناد به قرآن، استناد به سنت، استفاده از تمثیل، استفاده از تاریخ، سخن گفتن از روی علم، در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی، رسا و قابل فهم بودن کلام مبلغ،

داشتن فصاحت و بلاغت و درک استعداد و بسیاری از سفارشاتى است که به طور قطع مى تواند مانند چراغی؛ راه مبلغین اسلام را روشن نماید.

نیم نگاهی خطبه فدیة حضرت فاطمه زهرا(س)، بیانگر آن است که آن بانوی بزرگوار مانند پدر بزرگوارشان تمام شرایط یک مبلغ موفق را رعایت نمود که خطبه حضرت این گونه جاودانه شد، آن گونه که ائمه هدی:به فرزندان خود دستور می دادند آن را حفظ کنند.

تدابیر حضرت زهرا(س) در حمایت از ولایت

۱. بهترین مکان

برای یک حرکت انقلابی که تأثیری ماندگار در تاریخ داشته باشد، انتخاب مکان مناسبی که برای مردم دارای اهمیت باشد، بسیار مهم است. حضرت زهرا(س) که در دامان نبوت پرورش یافته بود، به این مطلب کاملاً آگاه بود؛ از این رو مسجد پیامبر(ص) را برای شروع حرکت انقلابی خود آغاز نمود. مسجد پیامبر(ص) در آن روز مناسب ترین نقطه، برای یک حرکت حق طلبانه و مرکز بزرگ اسلامی و جایگاه گردآمدن مردم بود.

۲. مناسب ترین زمان

برای تأثیرگذاری سخن بر مخاطب، زمان نیز باید مناسب باشد. اگر مخاطب آمادگی شنیدن نداشته باشد، سخنرانی بی فایده خواهد بود. حضرت زهرا(س) نیز به خوبی به این موضوع واقف و زمانی که مسجد پیامبر(ص) آکنده از توده های مختلف مردم اعم سران مهاجر و انصار بود، در آنجا حضور پیدا کرد.

۳. اقدام به صورت راهپیمایی اعتراض آمیز

آن بانوی فرزانه به تنهایی به سوی مسجد پیامبر(ص) حرکت نکرد؛ بلکه تدبیری اندیشید که گروهی از بانوان آگاه، برجسته، آزادی خواه و مخالف بیداد، به همراه او حرکت کردند و آن بزرگ پرچم دار آزادی و آزادگی در حلقه آنان باشکوه و عظمت وصف ناپذیر که نشانگر راهپیمایی اعتراض آمیز بانوان آزادی خواه و نواندیش و مخالف چرخش واپسگرایانه «سقیفه» بود، قرار گرفت.

۴. انتخاب مکان مناسب برای استقرار

از عبدالله بن حسن نقل است: وقتی ابوبکر و عمر برای منع حضرت زهرا(س) از دستیابی به فدک همدست شدند، حضرت از آن جریان مطلع شد؛ سپس مقنعه بر سر کشیده و پارچه ای بر سر انداخت و با چند تن از اطرافیان و زنان قوم خود به سوی مجلس ابوبکر حرکت فرمود و با کمال طمأنینه و آرامش و همچون رسول خدا(ص) راه می رفت.

چون وارد مسجد شد، ابوبکر با گروهی از جماعت مهاجر و انصار نشسته بودند. پس پرده‌ای زدند و آن حضرت در پشت آن پرده جلوس فرمود. ناله‌ای جانسوز کشید و این ناله همگان را به خروش آورد. صدای شیون از مردم بلند شد، به گونه‌ای که مسجد را به لرزه انداخت. قدری مکث کرد تا مردم آرام شدند، آن‌گاه روی سخن به ابوبکر کرده و خطبه ایراد نمود.

۵. سخنرانی آن حضرت در اجتماع مهاجر و انصار

مهم‌ترین و صریح‌ترین اصل تبلیغی حضرت فاطمه^۳، موضع‌گیری ایشان در دفاع از ولایت و امامت حضرت علی(ع) بود. خطبه حماسی و پرشوری را که حضرت، در مسجد رسول‌خدا(ص) در اجتماع مهاجر و انصار ایراد فرمود و به خطبه فدکیه شهرت یافت، می‌توان یک دوره معارف اسلامی دانست که اهل بیت: در طول تاریخ به این خطبه توجه خاص داشتند و آن را به فرزندان خود تعلیم می‌دادند.

علامه شرف‌الدین می‌گوید: «اهمیت این خطبه چنان است که اهل بیت: فرزندان خویش را ملزم به حفظ آن می‌نمودند، آن‌گونه که آن‌ها را به حفظ قرآن دستور می‌دادند. این خطبه شاهد گویایی بر احتجاج به امامت امام علی(ع) می‌باشد».

۶. مراجعه حضرت زهرا(س) به خانه‌های انصار

حضرت زهرا(س) در مبارزه‌ای که علیه خلیفه آغاز نموده بود، از هیچ تلاشی در حمایت از حریم ولایت و امامت دریغ ننمود و از راه‌های مختلف به مبارزه خویش ادامه داد.

حضرت هیچ‌گاه به سخنان و موضع‌گیری‌های خود در دفاع از امام علی(ع)، رنگ عاطفی نداده است و در هیچ جایی از سخنان حضرت این نکته را نمی‌توان یافت که حضرت از امام علی(ع) به این جهت که همسرش بود، دفاع نموده باشد؛ بلکه ایشان امام علی(ع) را مولا و رهبر خود می‌دانست و از شایستگی‌های امام سخن به میان می‌آورد.

حضرت زهرا(س)، در ادامه مبارزات سیاسی خویش در دفاع از حریم امامت و ولایت حضرت علی(ع) و برای اتمام حجت تصمیم گرفت به خانه‌های انصار برود و برای امام بیعت بگیرد.

ابن‌قتیبه می‌نویسد: «حضرت علی(ع)، شب‌ها حضرت زهرا(س) را بر چهارپایی سوار می‌کرد و به خانه‌های انصار می‌برد و از آنان یاری می‌طلبید. آنان در جواب می‌گفتند:

«ای دختر رسول‌خدا(ص)! کار از کار گذشته است و ما با این مرد (ابی‌بکر) بیعت نموده‌ایم. اگر همسر و پسر عموی تو پیش از این مرد نزد ما می‌آمد و از ما بیعت می‌خواست، ما کسی غیر او را انتخاب نمی‌کردیم».

امام علی(ع) در جواب آنان می‌فرمود:

«آیا من پیکر رسول خدا(ص) را در خانه‌اش روی زمین می‌گذاشتم و دفن نکرده به دنبال حکومت، به نزاع و دعوا برمی‌خاستم؟». حضرت صدیقه طاهره ۳، در تأیید امام(ع) می‌فرمود: «ابوالحسن کاری غیر از آنچه سزاوار و مناسب او بود، انجام نداد. آنان نیز کاری کردند که حسابشان با خداست و خداوند از آنان بازخواست خواهد نمود».

حضرت زهرا(س)، با صراحت اعلام داشت که پدرم، در غدیر خم علی(ع) را به عنوان خلیفه و جانشینش معرفی نمود و امروز که بیعت با ابوبکر را بهانه قرار می‌دهید، عذر بدتر از گناه می‌باشد و هرگز از شما پذیرفته نیست.

همچنان که وقتی حضرت زهرا(س)، در سخنان خویش در مسجد رسول خدا(ص) حاضران را مورد خطاب قرار داد و شرایط موجود در جامعه را که به نوعی از غصب فدک آغاز شده و با غصب خلافت و ولایت امام علی(ع)، به انحرافی بزرگ و سنگین در جامعه اسلامی پس از رحلت رسول خدا(ص) تبدیل شده بود، به زیر سؤال برد و به آنان فرمود:

«ای گروه مردان جوان، ای بازوان اسلام! این چشم‌پوشی چیست که در حق من روا می‌دارید؟ چرا چنین خواب و بی‌خبری نسبت به ستمی که بر من وارد شده، از خود نشان می‌دهید؟... شما توان آن را دارید که خواسته‌ام را برآورده سازید و آنچه در نظر دارم، انجام دهید... ای وای، ای فرزندان قبیله! آیا میراث پدرم به یغما رود، در حالی که شما مرا می‌بینید و صدای مرا می‌شنوید؟ آغاز و فرجام کار به شما برمی‌گردد و زمام امور در دست شما می‌باشد. شما هر نوع توان حمایت از من دارید. اینک چرا فریاد ستم‌دیده را می‌شنوید و پاسخ نمی‌گویید و به داد او نمی‌رسید؟ شما که به جنگجویی معروف بودید و به خیر و صلاح مشهور هستید».

باید توجه کرد که چه چیز پس از درگذشت رسول خدا(ص) در جامعه اسلامی به وجود آمد که تنها یادگار رسول خدا(ص) این‌گونه فریاد برآورد و از انحرافی که در جامعه اسلامی به وجود آمده بود، هشدار داد، آن را مخالف قرآن دانست و مردم را به بازگشت به اسلام اصیل و سنت ناب نبوی فرا خواند.

۷. اعتراض در قالب حزن و اندوه

حضرت زهرا(س) در ادامه مبارزات خویش علیه خلیفه و به حمایت از امام علی(ع)، این بار از طریق حزن و اندوه علیه وضعیت موجود قیام کرد و از این طریق اهداف خویش را دنبال نمود تا شاید با ناله‌های جانکاه خویش روح و احساس مرده امت اسلامی را جان تازه بخشد و وجدان آنان را بیدار سازد. او آنچنان ناله از دل برمی‌کشید و اشک می‌ریخت که او را یکی از بکائین (بسیار گریه‌کنندگان) شمرده‌اند.

مهم‌ترین چیزی که روح حساس و غیور بانوی بزرگ اسلام را ناراحت می‌ساخت، این بود که می‌دید ملت جوان اسلام از مسیر حقیقی و طریق مستقیم دیانت منحرف شده و در راهی افتاده است که پراکندگی و

بدبختی از نتایج حتمی آن می‌باشد. ایشان پیشرفت‌های سریع اسلام را دیده بود و انتظار داشت که به همان رویه پیشرفت کند و در مدت کوتاهی کفر و بت‌پرستی را از بین ببرد و دستگاه ظلم و بیدادگری را برچیند، ولی با غضب خلافت، پیشرفت و شکوفایی امت پیامبر(ص) متوقف شد.

حضرت زهرا(س) آن چنان گریه می‌کرد که مردم مدینه به امام علی(ع) شکایت کردند و گفتند: «گریه‌ها و ناله‌های زهرا(س) آرامش را از ما سلب نموده است» و پیام دادند که امام علی(ع) او را از گریه باز دارد و یا در طول شبانه روز یک نوبت گریه کند.

امام علی(ع) پیام مردم را به حضرت زهرا(س) رساند، ولی آن حضرت فرمود: «من به زودی از جمع اینان خواهم رفت. سوگند به خدا! به ناله‌هایم ادامه خواهم داد تا به پدرم ملحق گردم».

تاریخ نشان نداده است که گریه‌های زهرا(س) باعث آزار و اذیت چه کسانی شده است، ولی به یقین باعث آزار آنانی که خلافت و ولایت را غصب نموده بودند، شده بود؛ زیرا آنان بودند که نمی‌توانستند حرکات آن حضرت را تحمل کنند، به ویژه اینکه حضرت زهرا(س) دست به افشاگری می‌زد.

سید جعفر عاملی می‌نویسد: >حضور فاطمه ۳ در چند متری مسجد رسول خدا(ص) هیئت حاکمه را زجر می‌داد، به این جهت حاکمان او را از گریه منع کردند<.

محمودبن لبید می‌گوید: «حضرت زهرا(س) پس از رحلت رسول خدا(ص)، بر مزار عمویش حضرت حمزه می‌آمد و گریه می‌کرد. در یکی از روزها گذرم به مزار شهدای احد افتاد، فاطمه ۳ را دیدم که به شدت گریه می‌کرد. صبر کردم تا آرام گیرد. جلو رفتم و بعد از سلام عرض نمودم:

بانوی من گریه‌های شما رگ‌های قلبم را پاره می‌سازد... . سپس گفتم: بانوی من دوست دارم مسأله‌ای را از شما سؤال نمایم. فرمود: بپرس. گفتم: آیا رسول خدا(ص) در زمان حیاتش بر امامت امام علی(ع) تصریح نموده بودند؟

فرمود: واعجباً! آیا داستان غدیر خم را فراموش نموده‌اید؟ عرض کردم: غدیر خم را می‌دانم، ولی می‌خواهم بدانم رسول خدا(ص) به شما در این باره چه فرموده است؟ فرمود: خداوند گواه است که رسول خدا(ص) به من فرمود، بعد از من، علی(ع) رهبر و امام شما و پس از او، دو فرزندش حسن(ع) و حسین(ع) و نه تن از صلب حسین(ع) امام و رهبر شما می‌باشند و اگر از آنان پیروی نمایید، هدایت می‌شوید و اگر با آنان مخالفت ورزید، دامنهٔ اختلاف تا روز قیامت در بین شما خواهد بود.

سپس فرمود: به خدا سوگند! اگر می‌گذاشتند که حق بر محور خود بچرخد و آن را برای اهلش باقی می‌گذاشتند و از خاندان رسول خدا(ص) پیروی می‌کردند، هیچ‌گاه دو نفر دربارهٔ خدا با یکدیگر مخالفت نمی‌کردند. آیندگان از گذشتگان آن را به ارث می‌بردند و گذشتگان برای آیندگان خود می‌گذاشتند تا اینکه قائم ما که نهمین فرزند حسین(ع) است، قیام کند.

اما اینان کسانی را که خداوند مؤخر دانسته، مقدم داشته و آن‌که را خداوند پیشوا قرار داده، کنار زده‌اند. اینان بعد از رسول خدا(ص) بر طبق هوا و هوس و افکار خود عمل کردند، نفرین بر آنان».

بیت‌الاحزان

بیرون کشاندن حضرت فاطمه (س) از خانه‌اش به بیت‌الاحزان، نه تنها به نفع خلیفه و دستیارانش تمام نشد؛ بلکه باعث وبال حکومت گردید. آن‌ها می‌خواستند حضرت زهرا(س) را از مسجد رسول خدا(ص) که محل تجمع مردم بود، دور سازند؛ ولی با این کار سند دیگری بر مظلومیت حضرت زهرا(س) افزودند.

زیرا مردم می‌دیدند که عده‌ای که خود را از پیروان آنان می‌دانند و به نبوت پدرش اعتراف دارند، ظلم و ستمگری‌شان به جایی رسیده است که نزدیک‌ترین مردم به رسول خدا(ص) یعنی دخترش را که عواطف زنانه خود را دارد، در فشار قرار دادند و او را از اظهار حزن و اندوه در فراق پدرش باز داشتند که مبادا حضرت زهرا(س) از ظلمی که بر او روا داشته‌اند، با صدای بلند سخن بگوید.

ولی صدیقه طاهر (س) به رغم هیئت حاکمه، به اعتراض خویش در قالب حزن و اندوه ادامه داد و از خانه‌اش به بقیع در زیر درختچه‌ای مأوی گزید. هنگامی که آن درخت را قطع نمودند، امام علی(ع) ساییانی به نام بیت‌الاحزان ساخت و حضرت زهرا(س) در آنجا قرار گرفت.

۸. سخنان حماسی حضرت زهرا(س) در جمع زنان مدینه

حضرت صدیقه طاهره (س) همچنان به تبلیغات خود ادامه داد. او از هر فرصت برای باز گرداندن امامت و ولایت به جایگاه اصلی و واقعی آن تلاش نمود تا اینکه بر اثر دردها و رنج‌های جسمی و روحی که بر او وارد آمده بود، بیمار گردید و در بستر افتاد؛ در عین حال دست از مبارزه برنداشت. وقتی خبر بیماری حضرت زهرا(س) به گوش زنان مدینه رسید، به عیادت آن حضرت آمدند.

سید کاظم قزوینی می‌نویسد: «به درستی روشن نیست که انگیزه زنان مدینه از عیادت زهرا(س) چه بوده است؟ آیا با اشاره مردان خویش به عیادت حضرت زهرا(س) آمده بودند؟ یا از ظلمی که بر دختر رسول خدا(ص) شده بود، ناراحت بودند و آمده بودند تا دردهای دل خویش را تسکین دهند؟ و یا فضای سیاسی آن‌ها را وادار ساخته بود که میان حضرت زهرا(س) و هیئت حاکم ارتباط به وجود آورند؟».

حضرت زهرا(س) از فرصت به دست آمده استفاده نموده به افشاگری پرداخت و در حالی که بیمار بود، خطبه غرایبی ایراد نمودند. این خطبه از بهترین موضع‌گیری‌های آن حضرت در دفاع از حریم ولایت و امامت می‌باشد که حضرت اهداف و آرمان سیاسی خویش را نسبت به آینده امت پس از رسول خدا(ص) بیان داشت. تاریخ‌نویسان شیعه و اهل سنت این خطبه را از آن حضرت روایت نموده‌اند.

سویدين غفله می‌گوید: «چون حضرت زهرا(س) در بستر بیماری قرار گرفته بود، زنان مهاجر و انصار به عیادت او آمدند و از بیماری حضرت سؤال کردند. آن حضرت اعتراض خویش را از وضعیت موجود این‌گونه ابراز داشت:

«به خدا سوگند! شب را به صبح رساندم، در حالی که از دنیای شما کراحت دارم و بیزارم. بر مردان شما خمشناکم. آنان را پس از اینکه امتحان نمودم، به دور انداختم؛ پس چه زشت است کندی و سستی پس از تیزی و چه بد است، بازی پس از جدیت».

بنابراین آنچه از مشی سیاسی حضرت زهرا(س) و با توجه به شرایط آن روز جامعه اسلامی می‌توان برداشت نمود، به این شرح است:

۱. حضرت نقش آنان را در وضعیت موجود گوشزد نمود؛ زیرا آنان به گونه‌ای خویش را بی‌تقصیر می‌دانستند و اظهار می‌کردند که اگر امام علی(ع) پیش از ابوبکر به سراغ آنان می‌آمد، با او بیعت می‌نمودند.

۲. حضرت به نقش تعیین کننده توده‌ها در صلاح و فساد دولت‌ها اشاره نمود و بیان داشت، اینکه امروز امامت و رهبری به وسیله عده‌ای از مسیر خودش خارج و به انحراف کشیده شده است، مردم نیز در آن سهیم هستند.

۳. بازگشت به جایگاه حقیقی و واقعی آن، نیازمند یاری و تلاش مردم می‌باشد و تا مردم نخواهند، وضعیت موجود ادامه خواهد داشت. حضرت در این سخنان به نکات مهم سیاسی اشاره نمود و دیدگاه خویش را نسبت به آنان بیان کرد. جالب اینکه حضرت با این، سخنان و مطالب پیشین خود را که در مسجد رسول‌خدا(ص) ایراد کرده بود، تکمیل نمود.